

درباره اثری نفیس در حرم امام رضا^(ع) که از دوره تیموری به یادگار مانده است

«شاهرخ» و پنجره فولاد زرکوبش

- وارث خودخوانده چنگیز

تاریخ نگاران از تیمورلنگ با عنوان «جهانگشای بزرگ» یاد می‌کنند، اما برای ما ایرانیان که خاک کشورمان پا بمال سم اسبان سیاهپانش شده نام او یادآور ویرانی و کشتار است؛ «تیمور لنگ»، معروف به امیر تیمور یا تیمور گورکانی که با فتح سرزمین های بسیار در آسیا، امپراتوری تیموری را بنیان گذاشت.

تیمور فرزند خانواده‌ای از نوادگان ایل گورکانی بود که در اوایل قرن هشتم خورشیدی در نزدیکی سمرقند به دنیا آمد؛ زمانی که امپراتوری مغول چنگیزی از هم پاشیده بود و عملا قدرتی مرکزی در این قلمرو گسترده وجود نداشت. در این دوره در منطقه آسیای میانه و ایران، حکومت های ضعیفی مانند جلایریان، مظفریان، سربداران و قره قویونلوها به ترتیب در محدوده عراق و غرب ایران، فارس و کرمان، خراسان و آذربایجان حکومت می‌کردند و داندماهایهم‌درگیر جنگ بودند. این خلأقدرت بهترین فرصت برای تیمور گورکانی بود تا به جاه طلبی هایش جامه عمل بپوشاند. اما زیرا با اینکه او مستقیما از نسل تیمور نبود، اما خودش را وارث چنگیز می‌دانست. تیمور لنگ در میانه این قرن فتوحات خونین بی‌رحمانه‌اش را آغاز کرد و با قدرت نظامی فوق‌العاده‌ای که داشت بر بخش های بزرگی از ایران، آسیای میانه، قفقاز، هند، بین‌النهرین و آناتولی چیره شد.

- حاکمی خشن که به هنر علاقه‌مند بود

شاید در برخی مناطق آسیای میانه، از او به عنوان قهرمان یا منجی یاد کنند. اما در حافظه تاریخی ایرانیان، تیمور لنگ بیش از هر چیز به عنوان یک فاتح خشن و ویرانگر شناخته می‌شود. لشکریان تیمور به هر شهری از ایران که رسیدند آن را ویران کردند. در شیراز، تبریز و ری از کشته پشته ساختند و در اصفهان از جعبه‌ها مناره! اما نه تیمور و نه سربازانش نتوانستند تمدن و فرهنگ ایران را نابود کنند و این حاکم تیموری سرانجام برای تقویت حکومتش به سراغ نخبگان و دیوان سالاران ایرانی رفت.

تیمور گورکانی حاکمی خشن و به شدت مستبد بود. اما نکته جالب توجه و کمتر شنیده شده درباره او، علاقه‌اش به هنر و معماری است. علاقه‌ای که سبب شد در هنگام فتوحات نظامی اش، هنرمندان و صنعتگران از خشونت‌های مستقیم در امان بمانند. یکی از سیاست‌های او در دوران حکومتش ترویج هنر و علم بود و برای این منظور، شاعران، معماران و دانشمندان زیادی را از ایران به سمرقند برد. در دوره پسر او شاهرخ شاه سبک خاصی از معماری بنیان نهاده شد که بعدها به نام «مکتب هرات» مشهور شد. نگارگری و خوش‌نویسی نیز از جمله هنرهایی بود که در دوره او شکوفا شدند. توجه تیمور لنگ به ارزش‌های هنری و معماری و احیای آن‌ها شاید تنها نقطه اشتراک او با جانشینش یعنی شاهرخ تیموری باشد؛ فرزندی که برخلاف پدر شیوه دیگری برای حکومت انتخاب کرد.

- جانشینی با رویکرد متفاوت روی کار آمد
- بامرگ تیمور در ۷۸۲ خورشیدی، هرج ومرج و نزاع داخلی گریبان امپراتوری عظیم او را گرفت. چرا که جانشینانش بر سر تصاحب قدرت جدال کردند. در این میان چهارمین پسر امیر تیمور، شاهرخ میرزا توانست بخش‌های مرکزی و شرقی قلمرو پدرش را تحت فرمان خود درآورد.
- هرچند شاهرخ با حضور در لشکرکشی‌های



زهر رنگه» پسر کو ندارد نشان از پدر؛» این مَثَل شاید برای شاهرخ تیموری صدق کند. **شاهزاده گورکانی که میراث‌دار تاج و تخت پدرش شد، اما تنها در علاقه به هنر با او مشترک بود. شاهرخ تیموری، حکومت تیمور لنگ را به ارث برد، اما در حکومت‌داری راهی متفاوت از پدرش را در پیش گرفت تا در سایه حکومت با ثبات او، بستری برای شکوفایی هنرمندان، ادیبان و دانشمندان فراهم شود. حاکمی خردمند که به جای گسترش قلمرو و جنگ و خون‌ریزی بر ترویج ادب و هنر متمرکز شد و یکی از شهرهای مورد توجه او و درباریان‌ش مشهد امام رضا^(ع) بود؛ جایی که هدایایی را نیز به آن تقدیم کرد. یادگارهایی که امروز در موزه آستان قدس رضوی همچنان وجود دارد.**

پدرش تجربه‌های نظامی خوبی به دست آورده بود، اما شیوه حکومتی کاملا متفاوتی نسبت به تیمور در پیش گرفت. شاهرخ میرزا بر خلاف امیر تیمور نه جنگ طلب بود و نه خون‌ریز و در دوران حکومتش، به عنوان یک حاکم خردمند، تمرکز خود را بر ثبات سیاسی، بازپایی اقتصادی و شکوفایی فرهنگی گذاشت.

شاهرخ تیموری پس از مرگ تیمور، سیاستی مبتنی بر ثبات، آرامش و بازسازی در پیش گرفت. او با کنار گذاشتن فتوحات گسترده، تمرکز حکومت را بر سامان دهی امور اداری، رونق تجارت و حمایت از علم و فرهنگ قرار داد. چنان‌که بسیاری از مورخان معتقدند که اگر تیمور بنیان‌گذار سیاسی امپراتوری بود، شاهرخ بنیان‌گذار واقعی یک دولت پایدار و فرهنگی بوده است؛ دورانی که از آن به عنوان قرن طلایی تیموری و دوره احیای علم و دانش شناخته می‌شود.

- دربار شاهرخ مأمّن هنرمندان و دانشمندان بود
- نوادگان تیمور گورکانی، مسیر متفاوتی از جدشان در پیش گرفتند و نحوه حکمرانی آنان، دولت تیموری را به یکی از درخشان‌ترین دوره‌های فرهنگی جهان اسلام تبدیل کرد. در میان آنان، شاهرخ تیموری و پسرش بایسنقر میرزا نقشی تعیین‌کننده در این شکوفایی ایفا کردند.
- یکی از مهم‌ترین اقدامات جانشین تیمور، انتقال پایتخت از سمرقند به هرات بود؛ شهری که با

چهار شب‌ه‌های مظل

گذاشته بود، شاهزاده‌ای فرهنگ‌دوست، شاعر، خوش‌نویس و حامی بزرگ هنر بود. کارگاه‌های هنری تحت حمایت او در هرات به مرکزی برای شکوفایی نگارگری، خوش‌نویسی و کتاب‌آرایی بدل شده بودند. نسخه مشهور شاهنامه بایسنقری که از نفیس‌ترین آثار تاریخ هنر ایران است، حاصل همین دوره است.

از میان همسران شاهرخ نیز گوهرشاد بیگم، شناخته‌شده‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود؛ زنی سیاست‌مدار و آگاه که نقشی فعال و مؤثر در حمایت از هنرمندان، معماران و اهل قلم داشت و از مهم‌ترین حامیان شکوفایی فرهنگی دوره تیموری بود. گوهرشاد با تأسیس بناهای مذهبی و آموزشی، به‌ویژه مسجد گوهرشاد در مشهد، فرصت کار و خلاقیت را برای معماران، کاشی‌کاران و خوش‌نویسان برجسته فراهم کرد. این بنا نمونه‌ای شاخص از معماری تیموری با تزیینات فاخر کاشی‌کاری و کتیبه‌های هنری است.

او همچنین از کتاب‌آرایی، خوش‌نویسی و نگارگری حمایت می‌کرد و در شکل‌گیری کارگاه‌های هنری در هرات نقش مؤثری داشت. حمایت مالی و سیاسی گوهرشاد بیگم باعث شد هنرمندان در فضایی امن و پایدار فعالیت کنند و آثار ماندگاری خلق شود.

تاریخ، تیمور را به عنوان بنیان‌گذار قدرت سیاسی امپراتوری تیموری می‌نماید. اما نوادگان او را باید به عنوان حاکمانی بدانیم که با حمایت آگاهانه از فرهنگ و هنر، آن قدرت را به تمدنی ماندگار تبدیل کردند. تمدنی که تأثیر آن تا دوره صفویان و حتی فراتر از آن ادامه یافت.

- یادگار فولادی شاهرخ تیموری در حرم امام رضا^(ع)
- به جز آثار به جای‌مانده از گوهرشاد بیگم در حرم امام رضا^(ع)، از همسر او نیز آثاری به یادگار مانده است که «پنجره فولاد زرکوب» یکی از نمونه‌های آن‌هاست. پنجره‌ای فولادی که توسط خود شاهرخ، حاکم تیموری، به حرم مطهر امام رضا^(ع) اهدا شده است.

این پنجره که در سال ۷۹۵ هجری خورشیدی و به دست حاجی محمد حافظ اسفهرانی ساخته شده، نمونه‌ای از تمایل به جنگ و کشورگشایی، شاهرخ بیش از تمایل به صلح و دیپلماسی بود. به پیشرفت جامعه از طریق هنر، علم و مشاوره با حکیمان و دانشمندان علاقه داشت. او در دربار خود از شاعران، خطاطان، فلاسفه، ریاضی‌دانان و معماران حمایت کرد و در دوره او ادبیات، معماری، نقاشی، علوم و فلسفه در گستره وسیعی از خراسان تا ماوراءالنهر شکوفا شد.

یکی از مهم‌ترین دستاورد‌های فرهنگی این دوره، مدرسه‌ها و کتابخانه‌های غنی بود که در پایتخت تازه تأسیس یعنی هرات شکل گرفتند. در این مراکز، آثار هنری و علمی گرد آمده و به الگوهایی برای نسل‌های بعدی تبدیل شدند. همچنین کتاب‌های مصور، نسخه‌های خطی نفیس و آثاری در زمینه علوم و فلسفه در همین دوره به تولید رسیدند و بسیاری از این آثار، بعدها الهام بخش فرهنگ اسلامی شدند.

شاهرخ همچنین به زبان و ادبیات فارسی اهمیت ویژه‌ای داد و باعث شد زبان فارسی در دربار تیموری به شکلی برجسته‌تر مطرح شود. موضوعی که سبب تقویت بستر فرهنگی فارسی‌زبان در سراسر منطقه شد.

- خانواده هنردوست شاهرخ تیموری

فرزند او بایسنقر میرزا هم که قدم جای پای پدر

چهره هویتی

به مناسبت شصت‌ونهمین سال درگذشت علی زاهدی تجریشی

بنیان‌گذار شرکت سیمان شرق

کاشف معدن‌های ایران



حسین بیات| علی زاهدی تجریشی در هفتم فروردین ۱۲۷۵ خورشیدی در تهران متولد شد. در چهارسالگی از نعمت داشتن پدر محروم شد. اما توانست درس بخواند و در سن شانزده سالگی دوره متوسطه را به پایان برساند. او در درس ریاضی، انشا، خط و زبان فارسی و فرانسه سرآمد بود و بیشتر اوقات در کتابخانه بزرگ مقوم‌الملک زاهدی، رئیس اولین مدرسه کشاورزی ایران، حضور داشت و از کتاب‌های ارزشمند آن استفاده می‌کرد.

تندنویسی در مجلس شورای ملی، اولین شغل علی زاهدی بود که در هجده‌سالگی آن را به دست آورد. در کنار این شغل پاره‌وقت تحصیلات خود را نیز در کلاس مهندسی دارالفنون ادامه داد و موفق شد سال ۱۲۹۶ خورشیدی گواهی‌نامه این کلاس را دریافت کند. با داشتن مدرک مهندسی دارالفنون خیلی زود از جانب بلدیه تهران جذب شد، اما جالب اینکه در این سال کتابی نوشت که به مهندسی ربط نداشت. حاصل مطالعاتش در کتابخانه بزرگ مقوم‌الملک زاهدی و مشاهداتی که در طبیعت کسب کرده بود، تحریر کتابی بود به نام «زنبور عسل» که به واسطه نو و جامع بودنش حدود ربع قرن در دانشکده وقت کشاورزی تدریس شد. شوق آموختن او را در سال ۱۳۰۳ خورشیدی عازم فرانسه کرد. او در کمتر از یک سال امتحانات مشکل ورودی ابتدایی مدرسه عالی ملی معدن پاریس را گذراند و با موفقیت دوره کالج را طی کرد.

این مدرسه که همچنان نیز فعال است، یک دانش‌سرای عالی بود که سال ۱۷۸۳ میلادی به دستور پادشاه فرانسه، لویی شانزدهم، در پاریس تأسیس شده بود و نقش بسزایی در صنعت فرانسه ایفا می‌کرد.

علی زاهدی در نهایت سال ۱۳۰۸ خورشیدی از مدرسه عالی ملی معدن پاریس دانش آموخته شد و پس از کسب تجربیات عینی و عملی در معادن چند کشور اروپایی، سال ۱۳۰۹ خورشیدی به ایران برگشت. او بی‌درنگ در وزارت اقتصاد ملی مشغول به‌کار شد و نخستین مطالعات خود را درباره کشف و نقشه‌برداری از معادن ایران شروع کرد. طولی نکشید که زاهدی به ریاست اداره معادن رسید، البته در این زمان وزارت اقتصاد ملی به «اداره‌کل صناعت»، «اداره‌کل تجارت» و «اداره‌کل فلاحت» تجزیه شده بود و زاهدی از نیروهای اداره‌کل صناعت و معادن به‌شمار می‌رفت که مشکلات مالی فراوانی داشت. به دلیل نبود منابع مالی دست به استخراج زغال سنگ از معادن شمشک و گاجره و فروش آن زد تا به این وسیله به استخراج زغال معادن را تأمین کند. امری که موفق بود و کاستی‌های مالی را مرتفع کرد. زاهدی در همین دوره تدریس در دانشکده کشاورزی را شروع کرد و از ظرفیت معدن شمشک برای پرورش عملی نخستین استادکاران و کارگران معدن به سبک جدید معدن‌کاری استفاده کرد. به این ترتیب معدن‌کاری نوین در ایران نیز توسط مهندس زاهدی بنیان‌گذاری شد. از این دوره به بعد بود که بزرگ‌ترین تحولات در عرصه معدن‌کاری در ایران رقم خورد. همچنین با تلاش او در سال‌های ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ بود که مواد اولیه و سوخت نخستین کارخانه ذوب‌آهن ایران تأمین شد و این کارخانه در ضلع جنوبی میدان استاندارد کرج با سرعتی خیره‌کننده بهره‌برداری شد. آن‌طور که گفته شده است، زاهدی مصرف بیست سال کارخانه ذوب‌آهن را بینشایش آماده کرده بود. زغال سنگ سوخت آن از معادن گاجره و شمشک و سنگ‌آهن آن نیز با معدنی که در سمنان و زنجان به بهره‌برداری رسید، تأمین شد. سایر ملزومات کانی موردنیاز ذوب‌آهن نیز در قصر فیروزه سرخه حصار استخراج شد. به دنبال این اقدامات شگرف، چند معدن مس نیز در جنوب سبزوار و زنجان کشف و راه‌اندازی شد و خاک نسوز نیز از معدنی در غنی‌آباد و منبیت از فرمان به دست آمد و معدن سیلیس آمرف نیز در قزوین بهره‌برداری شد.

تمام معادن ذکر شده با تلاش و مدیریت مهندس زاهدی به بهره‌برداری رسیدند. به این کارنامه درخشان که تا سال ۱۳۲۱ خورشیدی رقم خورده، باید اداره اکتشاف، آزمایشگاه شیمی و سنگ‌شناسی و فسیل‌شناسی و موزه زمین‌شناسی و کوره‌های آزمایش را نیز اضافه کرد.

زاهدی سال ۱۳۲۲ خورشیدی و هم‌زمان با اشغال کشور توسط متفقین از اداره معادن به وزارت پیشه و هنر رفت. تلاش او در این دوره به این بود که با مطالعه صنایع جدید ایران و ارزیابی آن امکان رشد کشور را در حوزه دیگری فراهم کند. او در این جایگاه و پس از پایان جنگ جهانی اول و خروج اشغالگران از کشور (۱۳۲۴ خورشیدی)، به تألیف کتاب «صنایع ایران بعد از جنگ» اقدام کرد. مهندس زاهدی در نهایت وقتی دید در بلبلشوی بی‌برنامگی پس از جنگ نمی‌تواند به تحقق اهداف بزرگ خود که صنعتی کردن ایران بود، برسد از خدمت دولتی استعفا داد. او آرزو داشت که به واسطه ایجاد صنایع جدید زمینه اشتغال یک میلیون نفر از هم‌وطنانش را فراهم کند، اما با خروجش از کار صنعتی و دولتی این آرزو نیز عقیم ماند.

البته او در کنار کار دولتی راه‌اندازی چند کارخانه و شرکت شخصی را نیز رقم زد. از جمله در سن ۴۵سالگی (۱۳۲۰ خورشیدی) با فروش خانه مسکونی و کمک‌تی چند از دوستان با سرمایه صدویبست هزار تومانی، شرکتی به نام «میناک» را بنیاد گذاشت. او سپس کارخانه بیکرومات دوسود و بیکربنات دو پتاس را راه‌اندازی کرد و در عین ناباوری خارجی‌ها، برای اولین بار در ایران به تولید محصولات فوق در داخل کشور اقدام کرد.

شرکت سهامی معادن لوت که سال ۱۳۳۵ خورشیدی به ثبت رسید، مهندس زاهدی راهم روانه برهوت کویر کرد تا در مساحتی عظیم دست به عملیات اکتشاف بزند و تا حدودی زمینه رشد این مناطق را نیز فراهم آورد. معدنی که با پشتکار او در دل کویر لوت به بهره‌برداری رسید در کنار کارخانه تغلیظ و شست‌وشو، منحصربه‌فردترین معادن این محدوده بودند.

زاهدی همچنین اندیشه ایجاد و تأسیس کارخانه سیمان مشهد را در سر داشت که تلاش‌هایش پس از شش سال در آخرین سال زندگی او همراه با معدن کویر لوت به ثمر نشست. سیمان مشهد پروژه عظیمی بود که شکل توسعه شرق ایران را برای همیشه تغییر داد. البته مهندس زاهدی نبود که این تغییرات را ببیند، او ساعت ۹:۳۰ صبح روز دوشنبه هشتم بهمن ۱۳۳۵ خورشیدی هنگامی که مشغول کار بود، دنیا را بر اثر سکته مغزی وداع گفت.



تصویری از کارخانه سیمان شرق

شهریار

۴شنبه
۸ بهمن ۱۴۰۴
۸ شهریور ۱۴۴۷
شماره ۱۵۸۸

۱۵

↓

تاریخ و هویت